



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۲/۱۶

نویسنده : م.ک. بهادر اکمار

مترجم: سید حسام مل

لاوروف دوران جدیدی از توسعه جهانی را می بیند

منبع و تاریخ نشر : اندیا پانچیل ۲۰۲۶/۰۲/۱۳

حضور نادر سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در دوماي دولتي، همیشه فرصتي خاص برای بررسی زوایای پنهان سیاست روسیه است. به نظر من، نکته برجسته در اینجا، اگر لازم باشد، تأیید این نکته است که کرملین با اضطراب فزاینده، گذار سیاست های خارجی ایالات متحده را زیر نظر دارد، برخلاف ادعاهای اعلام شده توسط دولت ترامپ در طول یک سال گذشته که نشان دهنده نوعی عقب نشینی از سیاست بین المللی به سمت جهتی جدید، در واقعیت، از سلطه جهانی ایالات متحده است.

کاملاً قابل تصور است که تسلیم هند شوک بزرگی برای مسکو بود - و آن هم خیلی زود پس از خودنمایی نمایی نخست وزیرمودی در اجلاس سازمان همکاری شانگهای در تیانجین در ماه اگست/سپتمبر. اظهارات محتاطانه لاوروف در مورد پشتک واروی هند برای خرید نفت روسیه، با ناامیدی همراه است - همانطور که شکسپیر در نمایشنامه ژولیوس سزار به آن اشاره کرده است، جایی که سزار، پس از دیدن دوست مورد اعتمادش، مارکوس بروتوس، در میان قاتلان، با یادآوری عبارت لاتین *Et tu, Brute* [«تو هم بروتوس؟»]، شوک نهایی، ناباوری و خیانت یک متحد نزدیک را درک کرد.

صدای لاوروف دوره نظر می رسد. احتمالاً این لحظه نیز در حماسه روابط روسیه و هند خواهد گذشت، اما واقعیت این است که دنیای فردا که استاد بزرگ دیپلماسی بین المللی در اینجا توصیف می کند - ونزوئلا، کوبا، گرینلند، شورای صلح، ایران، تنگه تایوان و دریای چین جنوبی را به عنوان حلقه های جدایی ناپذیر در زنجیره ای از رویدادها به هم متصل می کند - تأکید می کند که هند در سیاره دیگری در حالت فراموشی سست زندگی می کند و فقط آرزوی زندگی در آسایش و راحتی را دارد.

گزیده ها: اظهارات سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در جلسات استماع در جلسه عمومی دوماي دولتي

، مسکو مورخ ۱۱ فبروری ۲۰۲۶

سیرگی لاوروف

الف. مرحله جدید در توسعه جهانی

رویدادهای دراماتیک اوایل امسال، از جمله حمله مسلحانه ایالات متحده به ونزوئلا، تشدید فشار ایالات متحده بر کوبا، تلاش‌ها برای بی‌ثبات کردن اوضاع در ایران و بحران پیرامون گریزنلند - که همه آنها را دیده و شنیده‌اید - ارزیابی ما را مبنی بر اینکه جهان وارد دورانی از تغییرات سریع و عمیق شده است، تأیید کرده است. برخی از کارشناسان حتی معتقدند که این دوران، دورانی از آشوب است. با این حال، یک چیز واضح است. این یک تحول زودگذر یا موقت نیست، بلکه مرحله جدیدی در توسعه جهانی است، شاید حتی یک دوران، که ممکن است سال‌ها، حتی دهه‌ها طول بکشد.

روند اصلی به سمت تشکیل یک سیستم چندقطبی عادلانه‌تر و پایدارتر، با رویارویی بین رهبران موجود، یا بهتر است بگوییم رهبران سابق، (که همانطور که قبلاً گفتم، بیشتر آنها را می‌توان در غرب یافت) و مراکز رشد نوظهور که نماینده اکثریت جهان هستند، همراه خواهد بود. این مخالفت در حال افزایش است و تقریباً بر همه مناطق جغرافیایی تأثیر می‌گذارد.

با نگاهی از این منظر، مشخص می‌شود که چرا یک قدرت استعماری سابق مانند فرانسه در تلاش است تا دولت‌های ملی‌گرا را در ساحل و سایر مناطق آفریقایی که آنها را قابل اعتراض می‌داند، سرنگون کند. این کشورها مدت‌هاست که مفهوم پیروی از دستورات حاکمان استعماری سابق خود را رد کرده‌اند. با این حال، پاریس همچنان به دنبال حمایت نه تنها در میان گروه‌های مخالف در کشورهای آفریقایی، بلکه در میان سازمان‌های آشکارا تروریستی و همانطور که ممکن است بدانید، در میان افراد مسلح از تشکیلات اوکراینی است. متأسفانه، نخبگان فرانسوی همچنان به دنبال روش‌های استعماری خود، از جمله اصل بدنام تفرقه بینداز و حکومت کن، هستند که تاکنون جان میلیون‌ها نفر از مردم آفریقا را گرفته است. برلین، که تحت تأثیر خیالات انتقام‌جویانه خود قرار دارد، فاصله چندانی با پاریس ندارد. چگونه می‌توان اظهارات صدراعظم فریدریش مرس مبنی بر قصد خود برای تبدیل دوباره ارتش آلمان به قوی‌ترین ارتش اروپا را توضیح داد؟ نسل فعلی سیاستمداران آلمانی، فرانسوی و دیگر کشورهای اروپایی به وضوح پولتاوا، برزینا، استالین‌گراد و نبرد کورسک را فراموش کرده‌اند. ثبات استراتژیک دشوار نیز خوش‌بینی ایجاد نمی‌کند... ما از این درک شروع می‌کنیم که مهلت قانونی اعلام شده توسط رئیس‌جمهور پوتین از طرف ما همچنان به قوت خود باقی است، اما تنها تا زمانی که ایالات متحده از محدودیت‌های فوق‌تجاوز نکند. ما مسئولانه و به شیوه‌ای متعادل بر اساس تحلیل روزانه سیاست نظامی ایالات متحده و محیط کلی استراتژیک عمل خواهیم کرد.

ادعاهای واشنگتن بر گریزنلند کاملاً قابل توجه است. همانطور که رئیس‌جمهور پوتین خاطرنشان کرد، ما از این درک شروع می‌کنیم که این مسئله مستقیماً به ما مربوط نمی‌شود. ایالات متحده، دانمارک و گریزنلند باید خودشان آن را حل کنند، با در نظر گرفتن دیدگاه‌های ساکنان بزرگترین جزیره، که کپنهاگ رسمی سال‌ها و دهه‌ها با آنها به شدت رفتار کرده است. می‌توان گفت، به عنوان شهروندان درجه دو. شواهد زیادی برای تأیید این موضوع وجود دارد.

اگر گریزنلند به طور مؤثر نظامی شود و قابلیت‌های نظامی با هدف روسیه در آنجا ایجاد شود، ما اقدامات متقابل مناسبی، از جمله از نوع نظامی-فنی، انجام خواهیم داد. با این وجود، موضع اصولی ما این است که قطب شمال باید منطقه صلح و همکاری باقی بماند.

ما دائماً تأکید می‌کنیم که حل و فصل پایدار بحران ناشی از غرب جمعی در اوکراین بدون از بین بردن علل ریشه‌ای آن غیرممکن است. همانطور که ممکن است بدانید، این رویکرد توسط دولت ترامپ به رسمیت شناخته شد. بر این اساس، در دیدار بین رئیس‌جمهور روسیه و رئیس‌جمهور ایالات متحده در آلاسکا در اگست ۲۰۲۵، در مورد راه‌های تضمین حل و فصل پایدار و پایدار مسئله اوکراین به تفاهماتی دست یافتیم. این تفاهمات همچنان روی میز مذاکره هستند.

روابط رو به گسترش ما با چین تأثیر تثبیت‌کننده‌ای بر کل سیستم روابط بین‌الملل دارد و نقش مهمی در تشکیل کمربندی از همسایگی در امتداد مرزهای روسیه ایفا می‌کند.

برای این منظور، ما همچنین در حال ترویج ابتکارات برجسته‌ای هستیم که توسط رئیس‌جمهور پوتین با هدف ایجاد معماری امنیت برابر و تفکیک‌ناپذیر و همکاری عملی گسترده در سراسر اوراسیا ارائه شده است. این شامل هماهنگ‌سازی پروژه‌های ادغام موجود، توسعه روابط همکاری افقی در نهادهای چند جانبه و ایجاد یک سیستم جامع تضمین‌های امنیتی برای همه کشورهای اوراسیا می‌شود. مفهوم ما همچنین شامل کشورهای اتحادیه اروپا و ناتو می‌شود که سیاست‌های خصمانه را کنار می‌گذارند و ماهیت غیرجایگزین اجرای اصل امنیت تفکیک‌ناپذیر را در عمل به رسمیت می‌شناسند - اصلی که بارها در سازمان امنیت و همکاری اروپا اعلام شده اما هرگز توسط غرب جمعی رعایت نشده است.

معاهده تضمین امنیت با بلاروس و معاهدات مشارکت استراتژیک جامع با کوریای شمالی و جمهوری اسلامی ایران، سهم قابل توجهی در ساخت معماری اوراسیا دارند.

اسناد دکترین تصویب‌شده توسط دولت دونالد ترامپ - یعنی استراتژی امنیت ملی و استراتژی دفاعی - حاوی یک ایده کلیدی هستند که ایالات متحده نمی‌خواهد سیاست خارجی‌اش ایدئولوژیک شود. منافع ملی آنها بالاتر از هر چیزی است. بنابراین، ایالات متحده منافع ملی سایر بازیگران اصلی در عرصه بین‌المللی را به رسمیت خواهد شناخت.

"دکترین دانرو" که به عنوان دکترین مونرو تجدیدشده نیز شناخته می‌شود، بیان می‌کند که ایالات متحده به مسائل نیمکره غربی خود رسیدگی خواهد کرد و نمی‌خواهد بازیگران دیگری را در آنجا ببیند. این دکترین با این واقعیت تأیید شده است که پس از آنچه در ونزوئلا اتفاق افتاد، ایالات متحده در حال برداشتن موانع صنعت نفت ونزوئلا است.

با تصمیم مستقیم اسکات بسنت، وزیر خزانه داری ایالات متحده، روسیه، چین و ایران از عملیات مربوط به تولید و تجارت نفت در ونزوئلا منع شده اند. این تبعیض آشکاری است که با وجود این واقعیت که روسیه، چین و ایران قبلاً در بخش انرژی نفت ونزوئلا سرمایه‌گذاری کرده‌اند، اتفاق می‌افتد.

اگر به گام‌های عملی بعدی ایالات متحده نگاه کنید، معنای آنها چیزی متفاوت از کنار گذاشتن ایدئولوژی و تمرکز بر منافع خود است. ایالات متحده ممکن است گفته باشد که نیمکره غربی قلمرو آن است، اما در عمل، واشنگتن به طور فعال منافع خود را در شرق میانه ترویج می‌دهد: شورای صلح، اوضاع پیرامون ایران، منطقه آسیا-اقیانوسیه، تنگه تایوان و بحیره چین جنوبی نیز به عنوان مناطق کلیدی منافع آمریکا اعلام شده‌اند. این ادعایی برای تسلط جهانی است.

در تماس‌هایمان با همکاران آمریکایی، ما تلاش می‌کنیم این ایده را ترویج دهیم که کار باید مبتنی بر احترام متقابل باشد، بدون اینکه به بخش‌هایی از جهان که از ایالات متحده دور هستند و به امنیت آن ربطی ندارند، تجاوز شود. در سطح عملی، ما به شدت نگران قصد اعلام شده ناتو برای ایجاد ابزارهای نفوذ خود در سراسر قاره اوراسیا با این فرض هستیم که تهدیدات علیه کشورهای عضو اتحاد آتلانتیک شمالی، که برای محافظت از آنها تأسیس شده بود، اکنون از تنگه تایوان، دریای چین جنوبی و آسیای جنوب شرقی نیز ناشی می‌شود.

ب. هند و نفت روسیه سوال:

سوال من مربوط به موقعیت اقتصادی جمهوری هند است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بیانیه‌ای صادر کرده و گفته است که هند از واردات نفت روسیه انصراف داده است و پس از آن بیانیه دیگری از سوی ایالات متحده در مورد لغو افزایش تعرفه ۲۵ درصدی بر کالاهای هندی منتشر شده است. نظر شما در مورد این اطلاعات چیست؟ عواقب این اقدام برای مشارکت استراتژیک بین روسیه و هند که شما نیز در گزارش خود به آن پرداخته‌اید، چه می‌تواند باشد؟ به عنوان مثال، یکی از اولویت‌های فعلی در صنعت هوانوردی، تأمین و در آینده، تولید هواپیماهای ایلوشین ایل-۱۱۴ و سوخو سوپرجت در هند و همچنین گسترش برنامه نیروی کار هند در روسیه، پروگرام‌های تحصیلی و سایر پروژه‌های استراتژیک است. آیا این برنامه‌ها نیاز به تعدیل دارند یا همه چیز طبق توافق پیش خواهد رفت؟

لاوروف: ما هیچ دلیلی نداریم که باور کنیم توافقات حاصل شده در بالاترین سطح بین دولت‌های روسیه و هند در معرض خطر است.

شما اشاره کرده‌اید که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اعلام کرده است که هند دیگر نفت روسیه را خریداری نخواهد کرد. من چنین اظهاراتی را از هیچ کس دیگری، از جمله نخست‌وزیر نارندرا مودی و دیگر نمایندگان هند، نشنیده‌ام.

هند اخیراً میزبان اولین رویداد بریکس به عنوان بخشی از ریاست خود بریکس بود. وزیر امور خارجه هند، سوبرامانیام جایشانکار، در این رویداد سخنرانی کرد. او در سخنرانی افتتاحیه خود به وضوح گفت که امنیت انرژی از اولویت‌های ریاست هند بریکس خواهد بود. من هیچ سیگنالی در مورد ممنوعیت‌ها یا تمایل به رعایت آنها دریافت نکرده‌ام.

درست است، این بیانیه صادر شده است. به طور گسترده تأیید شده است که تعرفه کالاهای هندی صادر شده به ایالات متحده اکنون از ۲۵ فیصد به ۱۷ فیصد کاهش یافته است - اما به صفر نرسیده است. در همین حال، کالاهای آمریکایی با تعرفه صفر به هند وارد خواهند شد. ما این را به عنوان روابط دوجانبه بین شریک استراتژیک ویژه و ممتاز خود و ایالات متحده می‌بینیم.

من تکرار می‌کنم که هیچ دلیلی برای باور به عدم تحقق توافقات روسیه و هند در هر سطحی نداریم. ما هیچ دلیلی برای فکر کردن به این موضوع نداریم. شما به همکاری نظامی و فنی، همکاری بشردوستانه و مهاجرت نیروی کار اشاره کرده‌اید. همه این پلان‌ها توسط توافقات و اسناد مربوطه تنظیم می‌شوند. در مورد مهاجرت، این یکی از اشکال نسبتاً جدید همکاری ماست. ما فرض می‌کنیم که هر دو طرف علاقه‌مند به رعایت قوانین روسیه و توافقات دوجانبه در این همکاری هستند.

نشست منظم روسیه و هند در دسمبر ۲۰۲۵ برگزار شد. همه توافقات، تعهد ما را به تعمیق مشارکت استراتژیک خاص و ممتازمان، هماهنگی که در اسناد دوجانبه تعریف شده است، تأیید می‌کند.

ج. کوریای شمالی:

تضمین اصلی رفاه در جهان امروز - متأسفانه، اما به طور مناسب - همچنان در داشتن سلاح‌های اتمی توسط پیونگ یا ننگ است. ما این واقعیت را به طور عینی تصدیق می‌کنیم و معتقدیم که در شرایط فعلی، زمانی که غرب در حال انجام یک کمپین فعال علیه همسایگان کوریای شمالی ما است، این واقعیتی است که نمی‌توان به سادگی از آن چشم‌پوشی کرد. صحبت در مورد اهمیت درخواست‌ها برای خلع سلاح اتمی در زمانی که ایالات متحده و جمهوری کوریا به طور فعال در حال گسترش همکاری نظامی، از جمله بخش اتمی آن هستند و زمانی که جاپان در حال آماده شدن برای پیوستن به این همکاری است، در حالی که حتی قصد خود را برای دور شدن از اصولی که پس از شکست در جنگ جهانی دوم زیربنای قانون اساسی آن بود، اعلام می‌کند، به معنای بی‌احترامی به دوستان کوریایی ما خواهد بود.

در مورد تأثیر تحریم‌ها، انتظار اینکه قطعنامه ای با حمایت روسیه برای لغو تحریم‌ها تصویب شود، غیرواقع‌بینانه است.

د. روابط ایالات متحده و روسیه:

استراتژی امنیت ملی ایالات متحده در مقایسه با اسناد دکترین دولت جو بایدن متفاوت است. این دکترین روسیه را به عنوان یک دشمن معرفی نمی‌کند و به عنوان یک شریک بالقوه یا نوعی همسفر توصیف می‌شود. من معتقدم که این نشان دهنده علاقه دولت دونالد ترامپ به همکاری با ما است. این در حال حاضر چیزی است. همیشه بهتر است که برای همکاری در مسائلی که منافع روسیه و ایالات متحده در آن همگرا می‌شود، آماده باشیم تا اینکه هیچ ارتباطی نداشته باشیم، همانطور که در زمان ریاست جمهوری جو بایدن در ایالات متحده وجود داشت.

تاکنون، ماهیچ نتیجه عملی یا ملموسی ندیده‌ایم. علاوه بر این، ما بارها از تلاش برای احیای گفتگو در قالب‌های مختلف و نه تنها در مورد اوکراین، بلکه در مورد مسائلی که به روابط دوجانبه ما مربوط می‌شود، استقبال کرده‌ایم. امیدوارم که این گفتگو روزی نتایج ملموسی به همراه داشته باشد، از جمله با هموار کردن راه برای پروژه‌های اقتصادی سودمند متقابل. در طول سال گذشته چیزهای زیادی در مورد آن گفته شده است.

من بار دیگر به انقضای استارت جدید اشاره می‌کنم. در حال حاضر، روسیه به مهلت قانونی خود در رعایت محدودیت‌های کمی اصلی طبق این پیمان پایبند است. ما دلایلی داریم که باور کنیم ایالات متحده عجله‌ای برای رد این شاخص‌ها ندارد و در آینده‌ای قابل پیش‌بینی به آنها پایبند خواهد بود.

ما از نزدیک شاهد چگونگی پیشرفت اوضاع خواهیم بود. اگر همکاران آمریکایی ما تعهد خود را برای ادامه همکاری در این زمینه مجدداً تأیید کنند، ما سخت تلاش خواهیم کرد تا توافق جدیدی تدوین کنیم و به مسائل برجسته‌ای که به عنوان بخشی از توافق ثبات استراتژیک به آنها پرداخته نشده است، رسیدگی کنیم.

البته، ما به تمام تعهدات خود در مورد امنیت متحدانمان در سازمان پیمان امنیت جمعی و سایر کشورها، از جمله کوریای شمالی، پایبند خواهیم بود. در این مرحله، هنوز شاهد گام‌های عملی برای تحقق اصول کلی طبق این اسناد دکتترین نیستیم.

دولت جو بایدن با هدف منزوی کردن روسیه در صحنه بین‌المللی فعالیت می‌کند. دولت دونالد ترامپ با اقدامات خود اذعان می‌کند که بدون روسیه نمی‌توان مشکلات بین‌المللی را حل کرد. جهانی شدن در حال حاضر منجر به چندپارگی شده است. منطقه ای شدن روابط بین‌الملل در حال انجام است. هیچ اقتصادی، هر چقدر هم که بزرگ باشد، نمی‌تواند به تنهایی توسعه یابد. ما شرکایی در بریکس، سازمان همکاری‌های شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا داریم، به این معنی که از انزوا نخواهیم برد. هیچ خودکفایی برای ما وجود نخواهد داشت. تنها کاری که باید انجام دهیم این است که تقسیم کار بین‌المللی را در ساختارهای برابری‌خواهانه، بدون نگاه به رویه‌های بی‌اعتبار، تنظیم کنیم. من به سیستمی اشاره می‌کنم که توسط غرب ایجاد و سپس نابود شد.

اتحادیه اروپا و روسیه:

اروپا به خود آمده سعی می‌کند سیگنال‌هایی ارسال کند، همانطور که امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و الکساندر استاب، رئیس‌جمهور فنلاند که کاملاً روس‌ستیز است، نشان دادند که گفتند روزی فنلاند دوباره با روسیه صحبت خواهد کرد، اما زمان آن هنوز نرسیده است. این چه نوع بیانی‌ای است؟ آیا او به ما لطف می‌کند؟ این مورد دیگری از خودستایی و تلاش برای نشان دادن خود به عنوان یک فرد باحال برای رأی‌دهندگان و همکارانش است. فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان، نیز گفت که روزی آنها باید با مسکو صحبت کنند. این فقط حرف توخالی است. هرگز اتفاق نیفتاده است که یک رهبر جهانی درخواست ارتباط با رئیس‌جمهور ما را داشته باشد و درخواستش رد شود. در ماه‌های اول عملیات خاص نظامی، ما به درخواست خودشان با اروپایی‌ها تماس‌های مربوطه را برقرار کردیم.

اروپا خود را کاملاً در نظر ما بی‌اعتبار کرده است. تمام سازوکارهای همکاری با اروپا - چهارفضای مشترک، ۲۰ گفتگوی صنعتی، یک گفتگوی امنیتی و اجلاس‌های دوسالانه - به محض شروع عملیات ویژه نظامی به آتش کشیده شده‌اند. اروپا پس از ایفای نقش مشخصی در پرورش رژیم نازی به همراه دولت جوبایدن، به طور ضمنی از آن حمایت کرد.

مسدود کردن ذخایر طلا و ارز ما نمونه‌ای کاملاً گویا است. آنها می‌گویند که طبق قوانین، آنها فقط از بهره‌ای بیش از آنچه قرار است سرمایه‌گذاری ما به دست آورد، استفاده می‌کنند. صرف نظر از نرخ بهره، از پول ما رشد می‌کند که ما نمی‌توانیم آن را دور بریزیم. مطمئن باشید که ما اجازه نخواهیم داد این وضعیت از بین برود. هیچ اشاره یا ابتکاری از سوی ما وجود نخواهد داشت. اگر آنها به خود بیایند، می‌توانند به ما مراجعه کنند. ما درخواست‌های آنها را بر اساس منافع خود بررسی خواهیم کرد.

و. بریکس و امنیت انرژی

امنیت انرژی یکی از اولویت‌های اصلی بریکس است. این موضوع مدت‌ها قبل از روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ به یک اولویت تبدیل شده بود. تلاش‌های غرب برای تحمیل خودخواهانه منافع خود در حوزه انرژی - که گاهی اوقات حتی در این فرآیند به خود آسیب می‌رساند - از مدت‌ها پیش آغاز شده است. ما به خوبی می‌دانیم که چگونه اتحادیه اروپا به پرداخت قیمت‌های گزاف برای گاز مایع طبیعی آمریکا که جایگزین پایپ لاین گاز ما می‌شود، افتخار می‌کند. مقامات اتحادیه اروپا اکنون وحشت‌زده شده‌اند و ادعا می‌کنند که یک وابستگی را با وابستگی دیگری عوض کرده‌اند - که ظاهراً از اتکا به روسیه به اتکا به ایالات متحده تغییر کرده‌اند. تأسیسات ذخیره‌سازی گاز به سرعت در حال تخلیه هستند. وزرای آلمان، فرانسه و سایر کشورها ابراز تاسف می‌کنند که اقتصادهایشان نمی‌تواند بار چنین قیمت‌های بالای انرژی را تحمل کند. این یک مشکل است. آنها به دنبال ایجاد مشکل برای دیگران بودند، اما خود را در وضعیت "جالب توجهی" یافتند که با تضادهای درون خود به اصطلاح غرب جمعی تشدید شده است. در این زمینه، بریکس علیه کسی کار نمی‌کند. این گروه در حال بحث در مورد چگونگی محافظت از خود در برابر این اقدامات تبعیض‌آمیز و تحریم محور کشورهای غربی و ایجاد زنجیره‌های تأمین انرژی مشترک مستقل از هوس‌ها و هوس‌های همتایان غربی خود است. ما کاملاً نیاز به توسعه زنجیره‌های تأمین، مسیرها و زیربنای مرتبط را درک می‌کنیم. یک مسیر ریلی فرامرزی برای حمل بار کانتینری، پیش از این تحت نظر شورای تجاری بریکس، با تسهیل توسط راه‌آهن روسیه، آزمایش شده است. پلتفرم همکاری تحقیقات انرژی بریکس که مدت‌هاست تأسیس شده، همچنان عملیاتی است. شکی نداریم که نتایج ملموس بیشتری در این زمینه امسال پدیدار خواهد شد. این تلاش‌ها شامل بازسازی جدی کل بنیاد انرژی است که زیربنای کشورهای بریکس را تشکیل می‌دهد.